



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای علی اکبر دهقانی

مقدمه

مشهور برای شناخت معنای حقیقی و مجازی راه‌هایی را ارائه نموده‌اند. از میان آن‌ها سه راه‌کار از همه مهم‌تر و مورد عنایت بیشتری است. در درس‌های پیشین تبادل و صحت حمل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در این درس اطراد به عنوان سومین راه‌کار مطرح می‌گردد. مصنف از میان این سه راه تنها تبادل را پذیرفته و صحت حمل و اطراد را رد می‌کند و علت عدم پذیرش اطراد را در این درس بیان می‌کند. شهید صدر پس از آن نحوه تبدیل مجاز در کلمه به مجاز در تطبیق را شرح و تفسیر می‌کند.

متن درس

[علامات الحقيقة و المجاز:

ذكر المشهور عدة علامات لتمييز المعنى الحقيقي عن المجازي.

منها: التبادر من اللفظ...

و منها: صحة الحمل ...]

و منها: الاطراد و هو ان يصح استعمال اللفظ في المعنى المشكوك كونه حقيقياً في جميع الحالات، و بلحاظ أى فرد من أفراد ذلك المعنى فيدل الاطراد في صحة الاستعمال على كونه هو المعنى الحقيقي للفظ، إذ لا اطراد في صحة الاستعمال في المعنى المجازي.

و قد أجيب على ذلك بان الاستعمال في معنى إذا صح مجازاً و لو في حال و بلحاظ فرد صح دائماً، و بلحاظ سائر الأفراد مع الحفاظ على كل الخصوصيات و الشئون التي بها صح الاستعمال في تلك الحالة أو في ذلك الفرد، فالاطراد ثابت اذن في المعاني المجازية أيضاً مع الحفاظ على الخصوصيات التي بها صح الاستعمال.
تحويل المجاز إلى حقيقة:

إذا استعمل الإنسان كلمة الأسد مثلاً الموضوعة للحيوان المفترس في الرجل الشجاع فهذا استعمال مجازي. و قد يحتال لتحويله إلى استعمال حقيقي بأن يستعمله في الحيوان المفترس و يطبقه على الرجل الشجاع، بافتراض انه مصداق للحيوان المفترس، إذ بالإمكان ان يفترض غير المصداق مصداقاً بالاعتبار و العناية، ففي هذه الحالة لا يوجد تجوز في الكلمة لأنها استعملت فيما وضعت له، و انما العناية في تطبيق مدلولها على غير مصداقه فهو مجاز عقلي لا لفظي.

اطراد، سومین علامت حقیقت و مجاز

مشهور بزرگان اصول، سومین راه‌کار تشخیص معنای حقیقی و مجازی را پس از تبادر و صحت حمل، اطراد ذکر نموده‌اند. مقصود از اطراد این است که استعمال لفظ در معنای مشکوک در همه افراد و حالات آن معنا صحیح باشد. مانند این که استعمال لفظ «أسد» در «حیوان مفترس» درباره هر فرد از حیوان مفترس در هر حالتی که باشد صحیح است. این اطراد در صحت استعمال، دلیل بر وضع لفظ برای معنای مشکوک است؛ زیرا استعمال لفظ در معنای مجازی به اطراد یافت نمی‌شود؛ چراکه گرچه استعمال لفظ بر معنای مجازی در یک یا چند فرد یا حالت صحیح است؛ اما در همه افراد و حالات صحت استعمال وجود ندارد. پس با این که استعمال «أسد» در «رجل شجاع» صحیح است؛ ولی به هر فردی و در هر حالتی نمی‌توان اطلاق أسد کرد. اطراد از خصوصیات استعمال حقیقی است. و از این جهت راهی برای شناخت معنای موضوع‌له است.

ناگفته نماند که مصنف در کتاب «بحوث فی علم الاصول» که تقریرات مباحث خارج اصول ایشان است چهار تعریف برای اطراد ذکر نموده است؛ ولی در این جا به همین معنا اکتفا کرده است. دلیل آن این که معنایی که مشهور از اطراد اراده نموده اند ظاهراً همین معنایی است که بیان شد.

تطبیق

و منها^۱: الاطراد و هو ان یصح استعمال اللفظ فی المعنی المشکوک کونه حقیقیاً، فی جمیع الحالات^۲، و بلحاظ^۳ ای فرد من أفراد ذلک المعنی

و از علائم حقیقت اطراد است. اطراد صحت استعمال لفظ در معنایی است که در معنای حقیقی بودن آن شک شده است، در همه حالات و به لحاظ هر فردی از افراد آن معنا.

فیدل الاطراد فی صحة الاستعمال علی کونه^۴ هو المعنی الحقیقی للفظ، إذ لا اطراد فی صحة الاستعمال فی المعنی المجازی.

پس اطراد در صحت استعمال دلالت می‌کند بر این که معنای مشکوک همان معنای حقیقی است؛ زیرا اطرادی در صحت استعمال لفظ در معنای مجازی وجود ندارد.

Sc01 ۵:۰۷

اشکال اطراد به عنوان راه‌کار شناخت معنای حقیقی

مشهور بزرگان اصول، سومین راه‌کار تشخیص معنای حقیقی و مجازی را پس از تبادر و صحت حمل، اطراد ذکر نمودند؛ ولی این درست نیست؛ زیرا اطراد صحت استعمال از مختصات معنای حقیقی نیست، بلکه همان‌طور که در استعمال حقیقی اطراد وجود دارد، در استعمال مجازی نیز وجود دارد. هرگاه استعمال لفظ در معنایی مجازی

^۱ مرجع ضمیر: علائم حقیقت و مجاز.

^۲ جار و مجرور: متعلق به «یصح».

^۳ جار و مجرور: متعلق به «یصح».

^۴ مرجع ضمیر: معنای مشکوک.

صحیح باشد، این استعمال در همه افراد و حالات آن معنا صحیح است. تنها نکته این که این اطراد و صحت استعمال در صورتی است که خصوصیتی که باعث صحت استعمال مجازی شده است، در آن افراد و حالات باقی باشد. به طور مثال استعمال مجازی لفظ «أسد» در رجل شجاع صحیح است، و دلیل این صحت، وجود خصوصیتی در رجل شجاع است که باعث اقترا آن با معنای حقیقی لفظ أسد (حیوان مفترس) شده است. تا زمانی که این خصوصیت باقی باشد، استعمال نیز صحیح است و مستعمل فیه هر فرد یا حالتی که داشته باشد تفاوتی نمی کند. پس می توان لفظ أسد را برای هر فردی از رجل شجاع (عمرو، بکر خالد و ...) در هر حالتی (خواب، بیدار، در حال راه رفتن یا خوردن و ...) به کار برد. بدین ترتیب، اطراد در صحت استعمال لفظ در معنای مجازی نیز وجود داشته و نمی تواند دلیلی بر شناخت معنای حقیقی قرار گیرد.

FG۱

علائم حقیقت و مجاز } تبادل: شهید صدر علامت بودن آن را پذیرفت.
صحت حمل: شهید صدر علامت بودن آن را نپذیرفت.
اطراد: شهید صدر علامت بودن آن را نپذیرفت.

تطبیق

و قد أجيب على ذلك^۱ بان الاستعمال في معنى إذا صح مجازاً و لو في حال و بلحاظ فرد، صح دائماً، و بلحاظ سائر الأفراد مع الحفاظ على كل الخصوصيات و الشئون التي بها، صح^۲ الاستعمال في تلك الحالة أو في ذلك الفرد، بر علامت حقیقت بودن اطراد جواب داده شده است به این که استعمال لفظ در معنا هرگاه مجازاً صحیح باشد؛ گرچه در حالی خاص و به لحاظ فردی خاص، این استعمال همیشه و به لحاظ همه افراد صحیح است با تحفظ بر همه خصوصیات و شئونی که به واسطه آنها استعمال در آن حالت خاص یا در آن فرد خاص صحیح است. فالاطراد ثابت اذن في المعاني المجازية أيضاً^۳ مع الحفاظ على الخصوصيات التي بها صح الاستعمال. پس بنابراین اطراد نیز در معانی مجازی ثابت است به شرط تحفظ بر خصوصیات که به جهت آنها استعمال مجازی صحیح است.

Sco^۲ ۱۳:۰۴

تبدیل مجاز به حقیقت

^۱ مشارالیه: علامت حقیقت بودن اطراد.

^۲ یعنی: فی جمیع الحالات.

^۳ صله برای «التي»؛ به اشتباه در بیان استاد، جواب شرط تلقی شده و از این رو عبارت با اجمال مواجه شده است.

^۴ مانند معانی حقیقی.

استعمال لفظ در معنای موضوع له استعمال حقیقی و استعمال آن در معنایی جز معنای موضوع له، استعمال مجازی است. چنین مجازی که در خود کلمه واقع می شود و لفظ در غیر موضوع له استعمال می شود، «مجاز در کلمه» نیز نامیده می شود.

در مقابل مجاز در کلمه، «مجاز عقلی» است. در مجاز عقلی، لفظ در موضوع له خویش استعمال می شود؛ ولی در تطبیق معنای موضوع له بر مصداقی غیر از مصادیق حقیقی لفظ عنایت و ادعا صورت می گیرد. مثلاً متکلم لفظ اُسَد را در حیوان مفترس استعمال می کند؛ ولی به ادعا رجل شجاع را یکی از افراد حیوان مفترس فرض می کند و بدون این که مجازی در کلمه مرتکب شود، لفظ اُسَد را در رجل شجاع استعمال نموده است. چنین مجازی «مجاز عقلی یا مجاز سکاکی» نامیده می شود؛ زیرا سکاکی معتقد است همه مجازها به این شکل هستند و الفاظ همیشه در معنای موضوع له خویش استعمال می شوند.

بدین ترتیب، متکلم می تواند به راحتی از استعمال مجازی به مجاز عقلی پناه برد و بدون این که لفظ را در غیر موضوع له استعمال کند، مراد خویش را تفهیم نماید.

FG۲

لفظی یا سکاکی در کلمه
مجاز
عقلی در تطبیق

تطبیق

تحويل المجاز إلى حقيقة:

إذا استعمل الإنسان كلمة الأسد مثلاً الموضوع للحيوان المفترس في الرجل الشجاع فهذا استعمال مجازی.

تبدیل مجاز به حقیقت

هرگاه انسان مثلاً کلمه «اُسَد» را که وضع شده برای حیوان درنده در رجل شجاع استفاده کند، این استعمال مجازی است.

و قد يحتال لتحويله إلى استعمال حقیقی بأن يستعمله في الحيوان المفترس و يطبقه على الرجل الشجاع، بافتراض انه مصداق للحيوان المفترس، إذ بالإمكان ان يفترض غير المصداق مصداقاً بالاعتبار و العناية،

گاه تدبیر و چاره‌ای برای تبدیل این استعمال مجازی به استعمال حقیقی می‌اندیشد، به این که لفظ اُسَد را در حیوان مفترس استعمال کند و حیوان مفترس را بر رجل شجاع تطبیق دهد، با فرض کردن این که رجل شجاع، مصداق حیوان درنده است؛ زیرا ممکن است که چیزی که مصداق نیست، با اعتبار و عنایت مصداق فرض شود.

ففي هذه الحالة لا يوجد تجوز في الكلمة لأنها استعملت فيما وضعت له، و انما العناية في تطبيق مدلولها على غير مصداقه فهو مجاز عقلی لا لفظی.

پس در این حالت، مجازی در کلمه یافت نمی‌شود؛ زیرا کلمه در چیزی که برای آن وضع شده است، استعمال شده است و همانا عنایت و اعتبار در تطبیق معنای کلمه بر غیر مصداقش است. پس این استعمال مجاز عقلی است، نه مجاز لفظی.

Sco^۳ ۲۲:۲۱

چکیده

۱. اطراد سومین راه‌کاری است که مشهور برای شناخت معنای حقیقی ارائه کرده‌اند و مراد ایشان از اطراد، صحت استعمال لفظ در معنای مشکوک در همه حالات و افراد آن است.
۲. اطراد به اعتقاد مشهور تنها در معنای حقیقی است و استعمال در همه افراد و حالات معنای مجازی صحیح نیست.
۳. به اعتقاد شهید صدر، اطراد میان معانی حقیقی و مجازی مشترک است و صحت استعمال در همه افراد و احوال معنای مجازی با حفظ خصوصیت آن مطرد است.
۴. مجاز بر دو قسم است:
- الف) مجاز در کلمه: و آن استعمال لفظ در غیر موضوع‌له است.
- ب) مجاز عقلی یا سکاکی: و آن استعمال لفظ در موضوع‌له به همراه عنایت و تجوز در تطبیق معنا بر مصادیقی غیر از مصادیق معنا.
۵. متکلم می‌تواند به جای مجاز در کلمه، مجاز عقلی استفاده کند.